

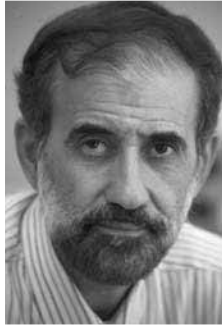
گفت‌و‌گو با مسعود وکیل، کارشناس مسئول گروه برنامه‌ریزی درسی قرآن

این درس شکوفنده‌ی فطرت توحیدی است

اشاره

مهندس مسعود وکیل، کارشناس مسئول گروه برنامه‌ریزی درسی قرآن با اشاره به تغییرات کتاب درسی قرآن، هم‌سو با برنامه‌ی درسی ملی، می‌گوید: «بیان آموزه‌های قرآنی، تبیین خوب و بد از منظر قرآن و اشاره به مکارم اخلاقی است و همه برای آن است تا این دانش در کردار دانش‌آموز متجلی و نهادینه شود، چراکه غایت اصلی برنامه‌ی درسی ملی، شکوفایی فطرت توحیدی متربیان است و قرآن در این مسیر نقشی پیشگام را ایفا می‌کند».





□.....
هدف ما در درس قرآن این است که بچه‌ها به تدریج مهارت‌های اولیه را برای استفاده از قرآن بیاموزند. مثلاً با قرآن آشنا شوند و بدانند قرآن سخن خداست. اگر چه بچه‌های پایه‌ی اول ابتدایی روز اول که مدرسه می‌آیند تصویری از قرآن دارند، در خانواده و کشور اسلامی زندگی کرده‌اند. حتی ممکن است بیایند و کتاب را ببوسند. یعنی تصور تقدس و ارزش‌مندی کتاب در ذهن بچه‌ها وجود دارد. ما باید آرام‌آرام بچه‌ها را با قرآن آشنا کنیم
□.....

به نظر شما مهم‌ترین عنصر در برنامه‌ی درسی ملی چیست؟

من مهم‌ترین عنصر برنامه‌ی درسی ملی راه‌الگوی جدول تعیین اهداف می‌دانم، که همه‌ی درس‌ها از جمله قرآن باید با آن هم‌سو شوند. موضوعات این الگوی جدول، موضوعاتی هستند که به اصطلاح در چهار حوزه اهمیت دارد. در نتیجه یک جدول دو بعدی داریم که ستون آن پنج عنصر و ردیف آن چهار عرصه دارد. بعد می‌گویید شما که الفبای قرآنی یا الفبای فارسی یا ریاضی را درس می‌دهید، در کدام بخش این جدول کار می‌کنید؟ به تعبیری حرف برنامه‌ی درسی ملی از همین جا شروع می‌شود. یعنی این‌طور نیست که درس‌هایی که قبلاً می‌دادیم را کنار بگذاریم، بلکه برنامه‌ی درسی ملی از همه‌ی درس‌ها می‌خواهد تا هر کدام از دروس به عنوان عضوی از یک خانواده که هدف واحدی دارد، ایفای نقش کنند. حرف اصلی برنامه‌ی درسی ملی همین است. می‌گویید این‌طور نباشد که علوم برای خود یک ساز بزند و ریاضی یک ساز دیگر. برنامه‌ی درسی ملی می‌گوید آن‌چه را می‌گویید در جدول اهداف بیان کن، تا معلم هم بداند. وقتی معلم دانست، به‌طور طبیعی علوم را طوری درس می‌دهد، در عین حال که می‌گوید برگ‌ها از نظر شکل انواع متفاوتی دارند، در کنار این‌ها مجموعه‌ای نیز تشکیل می‌شود که به تربیت انسان می‌انجامد و دانایی‌های ضروری که برای تربیت لازم است؛ بیان می‌شود. این کار برنامه‌ی درسی ملی است. این موضوع باید هم برای گروه‌های تألیف کتاب‌های درسی به‌خوبی روشن شود و هم برای آموزگاران عزیز. این برداشت ساده‌ی من از مفهوم و تیرک اصلی خیمه‌ی برنامه‌ی درسی ملی است. مطلب بعد رویکرد برنامه‌ی درسی ملی است. آن‌چه در این جدول بر همه‌ی دروس حاکم و ناظر است، این است که از برنامه‌ی درسی می‌گویید با انجام این فعالیت‌ها انتظار این است که «فطرت توحیدی متربیان» شکوفا شود. برنامه‌ی درسی ملی می‌گوید ما بچه‌ها را لوح نانوخته نمی‌دانیم، بلکه موجودی می‌دانیم که این موجود ویژگی‌هایی دارد و دروس گوناگونی وظیفه دارند هم فطرت توحیدی را بشناسند و هم متناسب هر درس و نیز متناسب سن بچه‌ها در پایه‌های گوناگون در خدمت این شکوفایی قرار بگیرند.

برنامه‌ی درسی ملی محورهایی را برای تنظیم برنامه‌های درسی مشخص کرده است.

شما در تدوین برنامه‌ی درسی قرآن بیشتر به کدام محورها توجه داشته‌اید؟

واقعیت این است که درس قرآن نسبت به درس‌های دیگر، برای این هم‌سو سازی، کار ساده‌تری داشته است. چون وقتی از قرآن صحبت می‌کنیم، از کتابی حرف می‌زنیم که خداوند فطرت توحیدی را به زبان‌ها و شکل‌های گوناگونی در آن کتاب توضیح داده است. هدف ما در درس قرآن این است که بچه‌ها به تدریج مهارت‌های اولیه را برای استفاده از قرآن بیاموزند. مثلاً با قرآن آشنا شوند و بدانند قرآن سخن خداست. اگرچه بچه‌های پایه‌ی اول ابتدایی روز اول که مدرسه می‌آیند تصویری از قرآن دارند، در خانواده و کشور اسلامی زندگی کرده‌اند. حتی ممکن است بیایند و کتاب را

ببوسند. یعنی تصور تقدس و ارزش مندی کتاب در ذهن بچه‌ها وجود دارد. ما باید آرام‌آرام بچه‌ها را با قرآن آشنا کنیم، این که قرآن سخن خداست، خوب و بد را در آن مشخص کرده است. آدم‌های خوب و بد را معرفی کرده است. بعد از این‌ها به شیوه‌های متنوع علاقه و انگیزه‌ی بچه‌ها را نسبت به کتاب درسی قرآن و یادگیری قرآن افزایش دهیم. مثلاً این که کتاب را تمیز نگه دارند و به آن بی‌احترامی نکنند. سپس به تدریج با سوره‌هایی از قرآن آشنا شوند و بتوانند عبارات را یاد بگیرند. ما آموزش روخوانی قرآن را از ده سال پیش با درس فارسی هم‌آهنگ کرده‌ایم. یعنی در درس قرآن، الفبای قرآن یا حرکات را نمی‌آموزیم، چون این‌ها را بچه‌ها در فارسی یاد می‌گیرند و باید بتوانند بدون آموزش جدید، عبارات ساده قرآن را بخوانند.

کتاب جدید التالیف چقدر با کتاب گذشته تفاوت دارد؟

کتاب جدید بعضی ویژگی‌های کتاب قبلی را داراست. در کتاب قبلی هفت سوره از قرآن داشتیم که برای هم‌خوانی دسته جمعی استفاده می‌شد که کماکان در کتاب وجود دارد. آموزش و روخوانی که از دی‌ماه آغاز می‌شود هم پابرجاست. قبلاً تعدادی داستان‌های قرآنی داشتیم که در کلیت، وجود دارد اما به تناسب تغییراتی نیز داشته‌اند. این‌ها سه محور اصلی هستند که در کتاب قبلی وجود داشته است. اما در تغییرات جدید، اول این که ما از پیام‌های قرآنی استفاده کردیم که در گذشته به آن شعارهای هفته می‌گفتند. مثل «و بالوالدین احساناً» و یا «سلام‌علیکم» یا «بسم‌الله الرحمن الرحیم». ما می‌خواهیم که بچه‌ها با این‌ها آشنا شوند و آن‌ها را به صورت جمعی بخوانند. این پیام‌ها، تصاویری دارد که مفهوم آن را به بچه‌ها نشان می‌دهد. قبلاً کلاس اول پیام قرآنی نداشت و از کلاس دوم شروع می‌شد. اما معلمان خیلی در این ارتباط درخواست داشتند و خیلی هم با اهداف برنامه‌ی درسی ملی هم‌سو است. لذا این را در کلاس اول آوردیم. بچه‌ها باید پیام را بخوانند و در قالب گفت‌وگو با یکدیگر و در رابطه با تصاویر، مفهوم آن پیام را در زندگی عملی دریافت کنند. البته به آموزگار هم گفته‌ایم وقتی وارد کلاس می‌شود، نه فقط قرآن را بلکه هر درسی را که آغاز می‌کند؛ «بسم‌الله الرحمن الرحیم» بگوید و آن را پای تابلو بنویسد. چون دانش‌آموزان این مسائل را باید در عمل یاد بگیرند و گفتنش لازم است، در عمل هم تأثیر بیشتری دارد.

چه تغییر دیگری برای هم‌سوسازی صورت گرفته است؟

کار دیگری که در راستای هم‌سوسازی انجام شده است، این است که ما کل کتاب اول را به هفت درس و هفت موضوع تقسیم کرده‌ایم که هر درس برای یک ماه تحصیلی است. هر درسی هم چهار جلسه و یک ساعت زمان دارد. ما برای هر درس اسم گذاشته‌ایم. این اسم مانند نخ تسبیحی است که موضوعاتی که در هر درس، حول آن اسم می‌چرخد. مثلاً درس اول «به نام خدا، بسم‌الله...» نام دارد. این عنوان یک تصویر دارد. هر درس قرآن با گفت‌وگوی بچه‌ها درباره‌ی یک تصویر شروع می‌شود، یعنی بچه‌ها درباره‌ی تصویر معمولاً در گروه‌های دو نفره با هم مشورت می‌کنند و بعد نظرشان را به کلاس می‌گویند. مثلاً ممکن است که گفت‌وگو یک ربع ساعت تا بیست دقیقه طول بکشد. این خیلی خوب است. بعد در این گفت‌وگوها معلم که به اهداف الگویی برنامه‌ی درسی آشناست، حرف‌های بچه‌ها را هدایت، تکمیل و اصلاح می‌کند، تا به همان موضوعاتی که در آن اهداف آمده است، توجه شود. در اولین خانه‌ی جدول درس قرآن «تقویت قدرت تخیل بچه‌ها» ذکر شده است. این موضوعی است که به تعقل مرتبط است و یکی از عناصر پنج‌گانه جدول است. و به «خود» به عنوان اولین عرصه مرتبط می‌شود.

عرصه‌ها و عناصر برنامه درسی چه مواردی هستند؟

جدول شامل پنج ردیف است: ۱. تفکر و خلاقیت ۲. ایمان ۳. علم ۴. عمل ۵. اخلاق و چهار ستون نیز به ترتیب چنین است: ۱. خود ۲. خدا ۳. خلق (مردم، پدر، مادر و...) ۴. خلقت (آفریده‌های خدا)، که هر درسی با توجه به نقش و وظیفه‌ی خود باید این چهارخانه‌ها را پر کند.



آیا تمهیدات خاصی برای تقویت قوهی تخیل و تعقل دانش آموز در کتاب اندیشیده شده است؟

قبل از برنامه‌ی هم‌سوسازی، ما عنایت خاص نداشتیم که در درس قرآن قدرت تخیل بچه‌ها را تقویت کنیم. وقتی برنامه‌ی درسی ملی یکی از عناصر مورد توجه خود را تعقل معرفی کرده است، باید همه‌ی درس‌ها از جمله قرآن نیز سهم خود را در تقویت تعقل، تفکر و تخیل بچه‌ها ایفا می‌کردند. ما در این زمینه با همکاران گروه قرآن فکر کردیم و به این نتیجه رسیدیم که برای هر درس یک عنوان بگذاریم و هر عنوان را با یک تصویر شروع کنیم تا وقتی دانش‌آموزان درباره‌ی تصویر صحبت می‌کنند، هم تخیلشان تقویت شود و هم موضوعاتی که در این درس آمده، مسائل دیگر را به آن‌ها یاد دهد. یعنی ضمن این که فرد از خانه بیرون می‌آید، بسم‌الله می‌گوید، هم‌چنین آن آموخته‌ها را در زندگی عملی، در خانه، کوچه و مدرسه، در کتاب و مرتبط با بسم‌الله می‌بینند. این جاست که یادگیری اتفاق می‌افتد و آموزش ما را جهت‌دار می‌کند. جهتی که باید براساس برنامه‌ی درسی ملی مورد توجه قرار گیرد، و آن همان شکوفایی فطرت الهی متریبان است.



چه فعالیت جدیدی به فعالیت‌های کتاب افزوده شده است؟

قبلاً بیشتر فعالیت‌های ما شنیداری و گفتاری بود. یعنی بچه‌ها به‌صورت دسته‌جمعی یا با نوار می‌خواندند و یا روخوانی داشتند که به صورت دیداری بود و بچه‌ها باید لوحه‌ها را می‌دیدند. الان ما فعالیت‌های جدیدی مثل نمایش خلاق را اضافه کرده‌ایم که بیشتر در کتاب درسی نبود. مثلاً گفتیم بچه‌ها سلام کردن به یکدیگر و احوال‌پرسی را برای هم نمایش دهند. سلام کردن در حقیقت مهارت‌های اجتماعی، آداب اجتماعی و عمل کردن به آن‌ها است. حرکتی فعال است و خوششان می‌آید. بعضی بچه‌ها قدرت شنیداریشان قوی است. بعضی ممکن است در تخیل قوی باشند و بعضی در رفتارهای بدی فعال هستند. اگر در کتاب به همه‌ی این‌ها توجه کنیم، در واقع داریم به همه‌ی بچه‌ها توجه می‌کنیم، ضمن این که همه با هم در کلاس دارند سوره‌ای را می‌خوانند. اما ممکن است یک دانش‌آموز در این کار از دیگری قوی‌تر باشد و در فعالیت دیگری مثل نمایش خلاق ممکن است دانش‌آموز دیگری استعداد خود را بروز دهد و رشد کند. این هم از برنامه‌ها و فعالیت‌های جدیدی بود که متناسب با آموزش قرآن در کتاب گنجاندیم.



محورهای دیگری هم در برنامه‌ی درسی ملی مطرح شده است، مثل تنوع فضای یادگیری، بحث کار و فناوری و به‌کارگیری روش‌های جدید آموزشی. آیا این موارد در تولید کتاب دیده شده‌اند؟

بعضی از محورها با درس قرآن و خصوصاً برای دانش‌آموز پایه‌ی اول، تناسب و امکان‌پذیر است و ما آن‌ها را به کار گرفته‌ایم. اما مثلاً در ارتباط با به‌کارگیری تنوع فضای یادگیری در پیش‌گفتار کتاب گفته‌ایم که کودک سوره‌ای را که آموخته برای مادرش تعریف کند و در مقدمه‌ی کتاب نیز به والدین گفته‌ایم از کودکشان سؤال کنند، امروز چه چیزهایی یاد گرفته است، و بعد در بیان آن کمکش کند. حتی گفتیم جلسه‌ی مشترکی بین والدین و آموزگار برگزار شود. آموزگار کلیات کتاب را برای والدین توضیح دهد و بگوید چه کارهایی بکنند و چه کارهایی انجام ندهند. یک محور دیگر، استفاده از روش‌های فعال است که ما در گذشته به آن تأکید داشتیم. نمونه‌ی آن هم شنیدن سوره‌ها و دسته‌جمعی خواندن آن که از ۱۰ سال پیش در مدارس آغاز شده است. یا فرض کنید وقتی بچه‌ها از روی لوحه‌ها روخوانی می‌کنند، تصریح کرده‌ایم که آموزگار به هیچ‌وجه نباید از روی لوحه‌ها بخواند، خود بچه‌ها آن‌ها را می‌خوانند. در حقیقت به کمک آن چه در فارسی یاد گرفته‌اند، از روی قرآن می‌خوانند به همین دلیل روش‌های ما از گذشته فعال بوده است و حالا هم فعال و متنوع شده است. در ارتباط با فناوری هم ما فعال بوده‌ایم. همان‌طور که نرم‌افزارهایی برای کتاب قبلی تولید کرده‌ایم. کتاب قبل با کتاب جدید ۵۰ درصد اشتراکات دارد. لذا نرم‌افزار دانش‌آموزی کتاب قبلی هنوز هم قابل استفاده است و دانش‌آموزانی که علاقه و امکانات دارند، می‌توانند آن را تهیه کنند.

این موارد آموزشی را از کجا می‌توانند تهیه کنند؟

باید در اطلاع‌رسانی و تولید این نرم‌افزارها بهتر کار شود و مردم بیشتر در جریان این امکانات قرار گیرند. اما شاید بتوانند سراغ آن را از انتشارات مدرسه بگیرند. ما نوارهای کاست داریم که حاوی پیام‌های قرآنی و سوره‌هاست.

ارزش‌یابی درس قرآن چگونه خواهد بود؟

ارزش‌یابی همان ارزش‌یابی توصیفی است که چند سال است شروع شده است.

آیا در خصوص ارزش‌یابی توصیفی، پیشنهادی برای آموزگاران دارید؟

به نظر من تدریس موضوع جدید، تمرین و ارزش‌یابی، سه امر درهم تنیده است. اصولاً معلم نباید به بچه‌ها بگوید که الان من درس می‌دهم و هفته‌ی دیگر از شما می‌پرسم. بچه‌ها! آیا آماده هستید سؤال کنم؟! آموزگار نباید این تعابیر را به کار ببرد، بلکه بچه‌ها فکر کنند دارند با معلم سفری را طی می‌کنند. چه‌طور در سفر، به عنوان مثال مادر گاهی یادآوری می‌کند که آن کاری را که گفته بودم، انجام دادید؟ این‌ها اشکال ندارد، یادآوری و تمرین است. البته معلم باید ضمن گفت‌وگو و تمرینی که با بچه‌ها دارد، آن‌ها را بشناسد. ۱۰ سال پیش ما گفته بودیم، قرآن را باید معلم همان پایه درس دهد، که الان این موضوع به خوبی به تأیید برنامه‌ی درسی ملی رسیده است و در راستای برنامه‌ی درسی ملی است و یک معلم باید همه‌ی درس‌ها را در دوره‌ی ابتدایی تدریس کند. چون اوست که بچه‌ها را می‌شناسد و طی ۲۴ ساعت حضور هفتگی در مدرسه با بچه‌ها ارتباط دارد.

چگونه می‌توان آموزش قرآن را در ساعت دروس دیگر ادامه داد؟

به این صورت ما خواندن پیام‌های قرآنی را به یک زنگ قرآن منحصر نکنیم. این مطلب را من در بازدیدها از معلمان یاد گرفتم. معلم‌ها خودشان به بچه‌ها یاد داده بودند که هر وقت وارد کلاس می‌شوند، بعد از برپا همه با هم پیام قرآنی آن هفته را بخوانند. «و بالوالدین احسانا»، ما این‌ها را منحصر به زنگ قرآن نکنیم. فرض کنید که معلم، درسی داده است و بچه‌ها خسته شده‌اند و دو دقیقه هم به پایان زنگ کلاسی، باقی مانده است. معلم با یک روش خوب و مفید، برای تخلیه‌ی انرژی بچه‌ها، می‌گوید: «آماده باشید تا همه با هم سوره‌ی توحید را بخوانیم». اتفاقاً این از پیام‌های برنامه‌ی درسی ملی است، که ارتباط بین درس‌ها را برقرار کنیم. همه‌ی درس‌ها را اعضای یک خانواده بینیم، خانواده‌ای که در آن هر کس یک نقش دارد، ما در خانواده پدر، مادر، خواهر و برادر داریم، ولی همه با هم هستند. درس‌ها نیز باید به همین صورت باشند. ضمن این که هر کدام نقشی را ایفا می‌کنند، اما همه در مسیر شکوفایی فطرت توحیدی مترقیان حرکت کنند.

از صحبت‌های شما پیداست که در تحقق اهداف کتاب، نقش آموزگار را بسیار پررنگ

می‌بینید. فکر می‌کنید آن‌ها چقدر با طرح‌ها آشنا هستند؟

در این زمینه وزارتخانه و همین‌طور سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی خیلی تلاش کردند و دوره‌های آموزشی برگزار شده است. فیلم‌هایی نیز تهیه شده است و قرار بر این است که آن‌ها را برای معلمان بفرستند. اولاً امیدواریم وقتی مصاحبه را می‌خوانند این مواد را دیده باشند و اگر ندیدند، از مسئولان بخواهند تا در اختیارشان قرار دهند.

آیا شما یک جزوه دارید و یک کتاب راهنمای معلم؟

البته به احتمال زیاد کتاب راهنمای معلم به شیوه‌ی آن کتاب راهنمای معلمی که سابق داده می‌شد، دیگر تولید نشود و یا برای سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ تولید نشود، جزو مواردی که باید درباره‌اش بحث شود. البته چیزهایی به مدرسان داده‌ایم که همان‌ها را می‌توانند به معلمان بدهند.

معلم چگونه باید عمل کند، تا به اهداف برنامه‌ی درسی ملی نزدیک شود؟

نقش معلم بسیار پررنگ است و این کاملاً درست است. معلم از جهت هدایت کلاس باید خیلی فعال باشد. یعنی



باید فکرس زیاد کار کند. شاید خیلی لازم نباشد که دست و پا و زبانش کار کنند. بیشتر باید فکرس کار کند. باید میدان دهد که بچه‌ها خودشان را نشان دهند و البته این موضوع به مهارت بیشتری نیاز دارد. اگر آموزگاری تجربه‌ی زیاد نداشته باشد، فکر می‌کند همه‌اش او باید در کلاس کار کند، حرف بزند و برای بچه‌ها تکلیف مشخص کند. در حالی که این‌طور نیست. اگر آموزگار مجرب باشد، با روش کار آشنا باشد و با اهداف و شیوه‌ی اجرا و تدریس آشنا باشد، شاید از نظر فیزیکی کمتر کار کند اما از نظر فکری در هدایت و راهنمای کلاس خوب نقش ایفا می‌کند و اتفاقاً بچه‌ها هم خوب یاد می‌گیرند و کمتر خسته می‌شوند. بچه‌ها از فعالیت خسته نمی‌شوند، از نفهمیدن، عدم تخلیه انرژی و عدم برقراری ارتباط خسته می‌شوند. معلم باید طوری کلاس را اداره کند که ضمن این که بچه‌ها خودشان فعال هستند، یادگیری هم اتفاق بیفتد.

فکر می‌کنید هم‌سوسازی چه تأثیری در نگرش دانش‌آموز خواهد داشت؟

وقتی آموزگار این موضوع، مثلاً «سلام علیکم» را تشریح می‌کند، در واقع می‌خواهد که بچه‌ها به‌طور عملی آن را بیاموزند. این حرفی است که قبلاً هم بوده است ولی الآن در برنامه‌ی درسی تأکید بیشتری روی آن می‌شود. وقتی معلم این را متوجه شد و به شیوه‌ای مناسب، نه مصنوعی در بزنگاه‌هایی که به‌طور طبیعی در کلاس اتفاق می‌افتد، این تذکرات را بدهد و از بچه‌ها جویا شود، تربیت اتفاق می‌افتد. مگر تربیت چگونه واقع می‌شود؟ فکر نکنیم که برای تربیت فقط باید تعدادی محفوظاتی را به دانش‌آموز بگوییم.

□
۱۰ سال پیش ما گفته بودیم، قرآن را باید معلم همان پایه درس دهد، که الان این موضوع به خوبی به تأیید برنامه‌ی درسی ملی رسیده است و در راستای برنامه‌ی درسی ملی است و یک معلم باید همه‌ی درس‌ها را در دوره‌ی ابتدایی تدریس کند. چون اوست که بچه‌ها را می‌شناسد و طی ۲۴ ساعت حضور هفتگی در مدرسه با بچه‌ها ارتباط دارد

□

به نظر شما برای تحول در آموزش و پرورش به جز هم‌سوسازی، چه اقدامات دیگری باید صورت گیرد؟

آموزش و پرورش یک عضو از خانواده‌ی جامعه است. اعتقاد من این است که در جامعه، همه‌ی نمادها مثل بازار به معنای عام و اقتصاد، خانواده، فرهنگ، دانشگاه، صدا و سیما همه متناسب با هم عمل می‌کنند. نمی‌توانیم برای اقتصاد کشور یا خانواده‌ی کشوری و روزنامه‌ها قانونی را وضع کنیم و بعد به آن نمره دهیم. و وقتی ۱۴ گرفت انتظار داشته باشیم، که آموزش و پرورش ۱۸ بگیرد. به همین دلیل بخش قابل توجهی از تحول آموزش و پرورش، منوط به تحول در سایر نهادهاست. همه می‌گویند معلم مهم است. چه اتفاقاتی باید در جامعه بیفتد که ما بتوانیم بهترین، باهوش‌ترین و متدین‌ترین نیروهای جوان را وارد آموزش و پرورش کنیم؟ بالاخره باید کارهایی انجام شود تا برای آن‌ها انگیزه ایجاد شود که وارد آموزش و پرورش شوند. البته معنی این حرف این نیست که کارهایی که در حیطه‌ی کاری خودمان در آموزش و پرورش است، نباید انجام دهیم. خود برنامه‌ی درسی ملی، قدم بزرگی به سوی تحول است.